

شرق‌شناسان و ارتباط میان اندیشه‌های ایران باستان با پیدایی تشیع

امیر اکبری*

چکیده

در میان بسیاری از اتهامات شیعه، سیاسی جلوه دادن و ارتباط آن با گذشته باستانی مقوله دیگری است که بسیاری از شرق‌شناسان آن را مطرح کرده‌اند. داستان ازدواج امام حسین علیه السلام با شهربانو و رخنه چنین داستانی در متون شیعی و بررسی عوامل اسلام‌پذیری ایرانیان با توجه به گرایش‌های شیعی آنان، سبب پیدایش این نگرش شده است که شاید اعتقاد شیعی، نوعی ابتکار و بدعت ایرانی در تداوم همان سنت‌های کهن زرتشتی در قالب‌های نو باشد. در بررسی دیدگاه‌های شرق‌شناسان در مورد برقراری روابط میان پیدایش تشیع با اندیشه‌های ایران باستان، به مقوله شرق‌شناسی، توجه به گذشته باستانی ایران و زمینه‌های مطالعات ایران‌شناسی آنها باید تأمل بیشتری نمود. قضاوت در باب پذیرش تشیع از منظر محققان ایرانی و خارجی با دید ناسیونالیستی به همراه آگاهی برخی از شرق‌شناسان با مذهب شیعه توسط منابع اهل سنت که چندان واقع‌نگر نبوده‌اند، سبب قضاوت‌های نادرست آنان در باب ظهور تشیع و آمیختگی آن با پیوندهای باستانی ایران گردیده است.

واژگان کلیدی

شرق‌شناسان، تشیع، ایران باستان.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد.

پیش از پرداختن به نظریات مختلف در باب پیدایش شیعه، در باب تعریف و مفهوم آن بایستی گفت که تشیع مصدر باب تفاعل از شیع و شیعه گرفته شده است و شیعه دارای معانی مختلف از جمله فرقه، گروه و یاران است.^۱ به قول راغب اصفهانی:

الشَّيعةُ من يتقوى بهم الانسان؛^۲

شیعه کسانی هستند که شخص به وسیله آنها نیرومند می‌شود.

در قاموس قرآن نیز «شِيعَةُ الرَّجُلِ، اتباعه و انصاره» را به معنای پیروان و یاران آورده است.^۳

با این تعاریف لغوی، بایستی اظهار داشت که شیعه در اصطلاح، به پیروان حضرت علی علیه السلام و خاندان گرامی آن حضرت و هم‌چنین معتقدان به جانشینی بلافصل علی علیه السلام بعد از پیامبر می‌گویند که به تصریح و نص ولایت ایشان در غدیر خم اعتقاد دارند. معنای شیعه که به پیروان علی علیه السلام گفته می‌شود، نشان می‌دهد که مسئله تقدم شیعه در مقایسه با دیگر فرق اسلامی به زمان خود پیامبر می‌رسد. این مقوله مهم‌ترین اتهام شرق‌شناسان را که پیدایش شیعه را به ایرانیان نسبت می‌دهند، بی‌اعتبار می‌سازد؛ زیرا برخی از صحابه در زمان خود پیامبر، پیروی از علی علیه السلام را بر خود واجب می‌دانستند.^۴

شیعه در طول تاریخ، به دلیل آرمان‌های والا و ظلم‌ستیزی، از واکنش‌ها و افترای دشمنان مصون نبوده و در میان بسیاری از این اتهامات، سیاسی جلوه دادن تشیع و بررسی دلایل پیدایش آن از این بُعد تأمل برانگیز است.

فتح سرزمین ایران و سقوط حکومت چهارصدساله و نیرومند ساسانی از مهم‌ترین اقدامات مسلمانان بود. سرعت فتوحات و تصرف تمامی مناطق امپراتوری، با رشد و گسترش اسلام در ایران و پذیرش حاکمیت اعراب

۱. احمد صدر حاج سیدجوادی، *دایرةالمعارف تشیع*، ص ۳، نشر محبی، تهران، ۱۳۷۳.

۲. محمدبن فضل راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۲۷۱، ج دوم، بی‌جا، نشر الکتب، ۱۴۰۴ق.

۳. سیدعلی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۹۵، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۳.

۴. سیدموسی سبط، *شیعه در اسلام*، ج دوم، ص ۷۱، چهل ستون، تهران، ۱۴۰۰ق.

مسلمان توأم شد. شگفتی ناشی از این سقوط ناباورانه قدرت ساسانی، پذیرش تدریجی دین اسلام، فقدان مقاومت جدی در بسیاری از شهرها بر ضد مسلمانان، نبود قیام‌های پیاپی در ستیز با اسلام، بیش از هر چیز حیرت محققان و بالاخص شرق‌شناسان را موجب شد تا بیشتر در مورد تاریخ ایران به تحقیق و بررسی بپردازند.

سرزمین ایران در آن زمان، در مقایسه با دیگر کشورهای امپراتوری اسلامی از موقعیت و ویژگی‌های خاصی برخوردار بود، به گونه‌ای که این سرزمین همواره در طول دوران حاکمیت خلافت اموی و عباسی دست‌خوش حوادث و بستر بسیاری از رخداد‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. شاید لازم باشد تا آن‌چه را که ایرانیان برای بازیابی هویت ایرانی خویش در ابعاد مختلف از خود نشان دادند، بتوان نشانه‌ای برای حرکت‌های بعدی آنان در گرایش به سوی تشیع تعبیر کرد. به دلیل همین حرکت‌های مستمر ایرانیان بود که ناگزیر برای توجیه تداوم حاکمیت اعراب بر جامعه ایرانی، مسئله گرایش به تشیع از سوی ایرانیان مورد آماج تحلیل‌های نابه‌جای شرق‌شناسان، قرار گرفت. انتقال از یک دین کهن و روی آوردن به دین جدید واقعه‌ای بزرگ بود. با سقوط دولت ساسانی نظام طبقاتی به هم ریخت و در نتیجه آمیختگی جهان اسلام، فرهنگ تلفیقی با جلوه‌های خاص رشد نمود.^۱ با تمام این تغییرات، ایرانی برای حفظ حیات ملی خود تلاش‌های فرهنگی را جای‌گزین حرکت‌های سیاسی کرد. پیش‌گامان این نهضت، شعوبیانی بودند^۲ که با تلاش‌های خود، تمام مظاهر و افتخارات گذشته ایرانی را عرضه کردند. آنها برای ابراز وجود و حفظ هویت خویش در وضعیت پیش آمده، برای برقراری پیوند میان اندیشه‌های باستانی با اعتقادات دینی تلاش لازم را به خرج دادند.

۱. محمدعلی اسلامی ندوشن، «از تمدن‌های باستانی چه بر می‌آید»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*،

ش ۱۵۱-۱۵۲، ص ۸.

۲. کلمه شعوبیه به اطلاق عام، نام فرقه‌ای است که به تساوی حقوق تمام اقوام معتقد هستند و به اطلاق خاص نیز فرقه‌ای است که به برتری قوم عرب گردن نهاد. آنها نام خود را از سوره حجرات آیه ۱۳ گرفتند. (حسینعلی ممتحن، *نهضت شعوبیه*، چ دوم، ص ۱۹۴، باوردان، تهران،

(۱۳۶۸).

روشن‌فکران شعوبی ایرانی، از همان شیوه‌های اعراب برای تحقیر عجم بهره گرفتند. آنان برای احراز هویت ملی و فرهنگی و اعاده سلطنت ایرانی برای مرتبط ساختن تشیع با اندیشه‌های باستانی به کار زیربنایی پرداختند. براساس باورهای عمومی ایرانیان، از ویژگی‌های عمده زمام‌داران، مسئله نژاد، اصالت خون و تبار مخصوص حکومت‌گر را در تن داشتن به حساب می‌آمد. این مسئله چندان مهم بود که حکومت‌های پس از اسلام نیز برای مشروعیت ایرانی خویش آن را به کار گرفتند؛ چندان که طاهریان، دودمان خود را به منوچهر و سامانیان به بهرام چوبین رساندند.^۱ البته برخوردار از فره ایزدی و کسب مشروعیت از طریق عنایت الهی را سلاطین مختلف بعد از اسلام در قالب عبارت ظل‌الله بر خود نهادند که در حقیقت ترجمان همین باور به شمار می‌رفت.^۲

بنابراین ایرانیان تلاش نمودند تا برای رهایی از سیادت محض خلافت، اسلام ایرانی را در قالب اندیشه‌های قومی اساطیری، همراه با ارج نهادن به مفاخر باستانی پی‌ریزی نمایند. برای این منظور تشیع که نخستین تجلی اسلام و اصلی‌ترین اپوزیسیون خلافت عربی به شمار می‌رفت، پایگاه مناسبی برای اهداف آنان قرار گرفت.^۳

تأمل برخی از ایرانیان سده‌های آغازین اسلامی در اندیشه‌های باستانی و اعتقادات دین زرتشتی و تلاش برای ایجاد هم‌سویی با تشیع امامیه در قالب خلق افسانه ازدواج امام حسین علیه السلام با دختر یزدگرد سوم، بیش از هر چیز می‌توانست به آرزوی آنها جامه عمل بپوشاند. ازدواج سببی که بنابر سنت، عاملی مقبول برای انتقال خون پاک و مشروعیت سلطنت به حساب می‌آمد، می‌توانست قومیت رفته را در اسلام آمده تداوم سازد و سلطنت ساسانی را با

۱. امیر اکبری، *تاریخ حکومت طاهریان*، ص ۶۳، سمت، بنیاد پژوهش‌ها، مشهد، ۱۳۸۴.

۲. رضا شعبانی، *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*، جلد دوم، ص ۱۴۴ اقومس، تهران، ۱۳۷۱.

۳. آلساس گلدزیهر، *اسلام در ایران، شعوبیه*، ترجمه و تألیف محمودرضا افتخارزاده، ص ۶۹، نشر میراث‌های تاریخی، تهران، ۱۳۷۱.

نبوت اسلامی در قالب آمیزش فره ایزدی با نور محمدی پیوند دهد.^۱ بنا بر روایت دینی زرتشتی، فر یا خورنه، فروغی ایزدی بود که بر دل هر کس می‌تابید، از دیگران برتر می‌گشت و شخص در سایه این فر، پادشاه و یا رهبر دینی مردم می‌شد. این مقوله، اصلی پایدار در حاکمیت طولانی ایران باستان و بالاخص عصر ساسانیان بود که توجیه حقانیت سلطنت آنها به شمار می‌رفت.^۲ ریشه‌دار بودن چنین نگرش‌های سیاسی در جامعه ایرانی، سبب می‌شد تا خلق افسانه ازدواج امام حسین علیه السلام با دختر یزدگرد که خون شاهی در رگ‌های خویش داشت ریشه‌دار گردد. این امر می‌توانست اسلام ایرانی را جدا از مذهب رسمی خلفا و حتی در تعارض با آن نمایان سازد. رخنه چنین داستانی در متون شیعی^۳ نوعی تحریف و جعل تاریخی بود که به هر دلیل وارد برخی متون تاریخی گردیده، ولی مشکل اصلی هنگامی توسعه یافت که خاورشناسان ایرانی با وجود چنین روایت‌هایی به بررسی حواشی این رخداد پرداختند و بسیاری از دیگر اصول اعتقادی شیعی چون امامت را هم‌خوانی با اندیشه‌های زرتشتی تعبیر کردند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که شاید اعتقاد شیعی نوعی ابتکار و بدعت ایرانی در تداوم همان سنت‌های کهن زرتشتی در قالب‌های نو باشد. از این رو لازم است تا پیش از بررسی عوامل آسیب‌شناسی شرق‌شناسان، به طور اختصار به نقل واقعه ازدواج امام حسین علیه السلام با شهربانو پرداخته شود که مایه بسیاری از تحلیل‌ها و نگرش‌های نادرست آنان شده است. در برخی از متون تاریخی، واقعه دست‌گیری دختران یزدگرد این گونه آمده است:

مسلمانان در سال نوزده هجری، مداین پایتخت ساسانیان را فتح کردند. همراه با غنیمت‌های بسیار، خانواده سلطنتی و بالاخص دو

۱. علی شریعتی، *تشیع علوی و تشیع صفوی*، ص ۱۲۶، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۷.

۲. امیر اکبری، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر ساسانیان*، ص ۴۱-۴۲، محقق، مشهد ۱۳۸۲.

۳. ابن بابویه، *عیون اخبار الرضا*، ترجمه علی‌اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، *اندیشه*، ج ۱، ص ۷۷ و ج ۲، ص ۲۸۱، تهران، ۱۳۸۰؛ محمد باقر مجلسی، *بحارالانوار*، ص ۹ موسسه الوفا، الجزء السادس و الاربعون بیروت، ۱۴۰۳/هـ ۱۹۸۳.

دختر یزدگرد پادشاه ایران اسیر مسلمانان گردیدند.

آنها به مدینه فرستاده شدند. حضرت علی علیه السلام با احترام از اسیران پذیرایی کردند و چون مسلمانان آنها را عفو نمودند، مخیر گردیدند تا برای خود از جمع جوانان مدینه همسری برگزینند. در این میان شهربانو، امام حسین علیه السلام را به همسری خویش انتخاب کرد. بنابراین، امام سجاد علیه السلام از طرف مادر به خاندان شاهی ساسانی می‌رسد و خون و نژاد اصیل ایرانی دارد و از طرف پدر به سلاله پاک نبوت می‌رسد.

این روایت که منابع شیعی نیز آن را ذکر کرده‌اند،^۱ سبب تقویت این نگرش شده که شیعه دست‌آویزی ایرانی و بدعت آنان در دین اسلام بود؛ به ویژه آن‌که مسئله ظهور تشیع به قرون اولیه اسلامی و با این روایات به ایرانیان نسبت داده شد. چنین برداشتی از پیدایش شیعه به همان نسبت جعل روایت، بی‌اساس است. نقش امام علی علیه السلام در تمام دوران رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ارزنده بود که بسیاری از مسلمانان را به سوی ایشان متمایل ساخت؛ چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همواره گروه پیروان علی علیه السلام را با نام شیعه معرفی می‌نمود: «ان علیاً و شیعتهم هم الفائزون».^۲ ماجرای بیعت با حضرت در غدیر خم و مهم‌تر مخالفت بسیاری از یاران علی علیه السلام با خلافت ابوبکر در جریان سقیفه بنی‌ساعده، دلیلی بر وجود شیعیان در آن زمان است.^۳

با این اشاره مختصر، معلوم می‌گردد که تشیع سابقه‌ای فراتر از آن دارد که ایرانیان در قرن اول هجری بنیان گذاشته باشند. به گفته شهید مطهری:

حقیقت این است که علت تشیع ایرانیان و علت مسلمان شدن آنان یک چیز است؛ ایرانیان بیش از هر ملت دیگر به روح و معنای اسلام توجه نمودند. داستان شهربانو و ازدواج با امام حسین علیه السلام و ولادت

۱. همان.

۲. محمدبن نعمان مفید، *ارشاد*، ترجمه رسولی محلاتی، بی‌جا، انتشارات علمیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶.

۳. احمدبن یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۱، ص ۵۲۴، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.

امام سجاد علیه السلام از شاهزاده‌ای ایرانی کاملاً مشکوک است.^۱

اختلاف نظر منابع در نام دختر یزدگرد و کیفیت نقل این روایت و مهم‌تر روبه‌رو نشدن دختران یزدگرد با اعراب بر جعل این روایت تأکید دارد.^۲ بی‌اعتباری این روایت، نسبت ایرانی بودن تشیع را کاملاً کنار زده و زمینه چنین سوء برداشتهایی را از بین برده است: اما در میان بسیاری از دیگر روایت‌های مجعول تاریخ، ظاهراً چنین داستانی برای سوءنیت دشمنان اسلام و شیعه کارآمدتر جلوه نموده است. بسیاری از شرق‌شناسان که با چنین بدبینی و تردیدی به مذهب تشیع می‌نگریستند، دچار چنین پیش‌داوری‌هایی شدند و نقل چنین روایتی را در برخی متون تاریخی دست‌آویزی برای تحلیل‌های غلط خود یافتند.

آسیب‌شناسی نگرش‌های شرق‌شناسان در مورد پیدایش تشیع

الف) اهداف شرق‌شناسی

آسیب‌شناسی (Pathology) در لغت به معنای علایم غیرعادی و انحراف از حالت طبیعی است.^۳ بنابراین در بررسی عوامل انحراف شرق‌شناسان بایست به سابقه تاریخی فعالیت آنها و انگیزه‌های شرق‌شناسی دقت نمود. مطالعات خاورشناسی در برخی از کشورهای اروپایی به قرن سیزدهم میلادی می‌رسد. این امر در ابتدا انگیزه دینی داشت، ولی به مرور، انگیزه‌های فرعی دیگر مانند عوامل تجاری، سیاسی و دیپلماسی در آن دخیل شدند. مبلغان مذهبی رهبران استعمار را قانع کردند که مسیحیت قاعده استعمار غرب در

۱. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۱۲۲ و ۱۰۸، بی‌جا، افست، تهران، ۱۳۵۹.

۲. محمدجواد مشکور، تاریخ سیاسی ساسانیان، ج ۲، ص ۱۲۸، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۷؛ برای اطلاع بیشتر از اختلاف نظر منابع پیرامون این واقعه‌اند: افتخارزاده، اسلام در ایران، ص ۱۰۹ و ۱۲۸. یزدگرد به همراه خانواده خود پیش از رویارویی با اعراب، به نواحی خراسان فرار کرد که خراسان نیز تا زمان عثمان فتح نگردید. نک: تاریخ حکومت طاهریان، ص ۱۹.

۳. عباس و منوچهر آریانپور، فرهنگ دانشگاهی انگلیسی به فارسی، ج ۲، ص ۱۵۶۹، چ هشتم، امیر اکبر، تهران، ۱۳۶۸.

شرق خواهد شد.^۱ حرکت‌های خاورشناسان با آغاز قرون جدید در قالب تحقیقی گسترده‌ای با عنوان شرق‌شناسی دنبال گردید.^۲ بسیاری از نظریه‌پردازان، شرق‌شناسی را نشانی از ظهور و سیادت علمی، فرهنگی و سیاسی غرب در سرزمین‌های شرقی می‌دانند؛ هرچند به قول محمد دسوقی، هدف شرق‌شناسی تخریب چهره اسلام و کشورهای شرقی در نزد غرب بوده و تخم نفرت از اسلام و مسلمانان را در دل و درون غریبان کاشته است. وی هم‌چنین اذعان می‌کند که پی‌آمد این تحقیقات و بسیاری از مطالعات شرق‌شناسی عبارت است از:

تحریف، تأویل، دست کاری، زشت‌سازی، استناد به روایات ضعیف، افسانه‌ها، خرافه‌ها، جعلیات، شایعات و گفته‌های مشرکان...^۳

با توجه به چنین دیدگاهی می‌توان در باب نوع تحقیقات و بالاخص نگرش‌های دینی شرق‌شناسان که غالباً ممکن است با ترفندها و انگیزه‌های خاصی توأم باشد، با دقت بیشتری به نتایج یافته‌های آنها نگریست. مسئله تشیع ایرانی نیز با توجه به پیشینه سیاست‌های شرق‌شناسی می‌توانست در جهت قضاوت‌های نادرست آنان بررسی و مطالعه گردد.

ب) عوامل مؤثر در نگرش شرق‌شناسان به مطالعات ایرانی

ایران در مطالعات شرق‌شناسی، جایگاه خاصی داشته؛ زیرا در طول حیات فرهنگی و تمدنی خود با غرب بسیار رودر رو شده و هیچ‌گاه از منظر مطالعات آنها دور نبوده است. در مطالعات تاریخی شرق‌شناسان، مسئله توجه به آثار تاریخی و عظمت باستانی ایران، از موارد عمده تحقیق آنها به شمار می‌رود. در کنار این تحقیقات، مطالعات اوستاشناسی و تحقیق در مورد دین زرتشت بیشتر

۱. محمد بهی، اندیشه نوین اسلامی در رویارویی با استعمار غرب، ترجمه حسین سیدی، ص ۲۶۶، به نشر، مشهد، ۱۳۷۷.

۲. اصطلاح شرق‌شناسی (Orientalism) نخستین بار در سال ۱۷۶۹ به کار رفت.

۳. سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، به نقل از محمدتقی قزلسفلی، «ایران از منظر شرق‌شناسی»، مجله سیاسی و اقتصادی، ش ۱۵۱-۱۵۲، اردیبهشت ۷۹، ص ۲۷.

از دیگر موضوعات تاریخی دنبال گردید. وجود بسیاری از شرق‌شناسان چون: آنکتیل دوپرون، بورنوف، دارمستتر، میه، بارتولومه، اشپولر، گلدنر، وست، هوگ، جکسون، هرتل، هومباخ، بنونیست، دومزیل، هنینگ، بیلی، کریستین سن، بار، نیبرگ، تاوادایا و بویس حکایت از آن دارد که زمینه‌های مطالعات ایران‌شناسی آنها بیشتر مسائل پیش از اسلام بوده است. این محققان هر یک دارای تألیفات و مطالعاتی در باب ایران باستان هستند و در مقایسه با دیگر شرق‌شناسان تاریخی، آمار بیشتری را دربرمی‌گیرند. بنابراین بعید نیست که بسیاری از شرق‌شناسان به بسیاری از وقایع و از جمله مذهب شیعی با همان دید ایرانی بودن بنگرند و از زوایای مطالعات زرتشتی‌گری خویش به نقد و بررسی این حوادث بپردازند. کنجکاوی و حساسیت برخی از این محققان در تأثیرگذاری اندیشه‌های دینی زرتشتی و هم‌چنین تداوم اعتقادات دینی پیش از اسلام در باور و اندیشه ایرانیان مسلمان، آنها را به این ادعا که تشیع می‌تواند مذهب ایرانی باشد، نزدیک ساخته است.

فعالیت شرق‌شناسی در اروپا توأم با گسترش دیدگاه‌های ناسیونالیستی عامل دیگری است که در نوع نگرش شرق‌شناسان به مطالعات ایرانی تأثیرگذار بود. توجه به مقوله نژادگرایی از دیگر عواملی به شمار آمد که در روند تاریخ‌نگاری آنها می‌توانست اثرگذار باشد. این مسئله همراه با رشد نگرش‌های ناسیونالیستی در روش محققان ایرانی سبب شد تا یک حادثه و مقطع مهم تاریخی یعنی ورود اسلام به ایران از این دید آنان بررسی و تحلیل گردد. تعارض میان اقتدار سیاسی جامعه ایران پیش از اسلام با ضعف این جامعه در عصر حاکمیت خلافت اسلامی، به همراه گرایش عموم جامعه ایرانی به دین اسلام و مهم‌تر مذهب تشیع و توجه علویان نیز به سرزمین ایران^۱ سبب پیدایی این وهم در وجود ارتباط میان نقش ایرانیان با مذهب شیعه شده بود. این مسائل به همراه

۱. امیر اکبری، «ضرورت‌های سیاسی و دینی در دعوت امام رضا به خراسان»، مشکات، زمستان ۸۴، ش ۸۹، ص ۵۲.

اتهامات دیرینه‌ای که بر مذهب تشیع وارد گردیده، از جمله دیدگاه‌های مغرضانه برای از اصالت انداختن این مذهب پویا در تحلیل‌های نابه‌جا بود. عامل دیگر، نقش دشمنان شیعه در افترا بستن به این مذهب بود و از میان این اتهامات، ایرانی بودن این مذهب که آن را واکنش انتقام‌جویانه ایرانیان از شکست اعراب تلقی نموده‌اند، دست‌آویزی دیگر برای تغییر در نوع نگرش آنها به مذهب شیعه شده بود.^۱ یکی از شیوه‌های شناخت اسلام و مذاهب آن بالاخص شیعه، از طریق منابع اهل سنت بوده است. مسلماً در میان مجموع نیت‌های سوء به ظهور تشیع، مقوله ایرانی بودن آن نیز در منابع اهل سنت مورد توجه قرار گرفته است. آشنایی با چنین سرخ‌هایی در مورد ظهور تشیع با توجه به ذهنیت آماده شرق‌شناسان در پر و بال دادن به چنین موضوعاتی، زمینه بسیاری از قضاوت‌های نادرست آنان در مورد ظهور تشیع و آمیختگی آن با پیوندهای باستانی ایران گردیده بود.

ج) دیدگاه‌های شرق‌شناسان در تأثیرپذیری تشیع از سنت‌های ایرانی

در میان مجموع قضاوت‌های شرق‌شناسان در مورد پیدایی و تکوین تشیع، مسئله طرح اسلام ایرانی و ساخت سیاسی آن بیشتر جلب توجه می‌کند. نقش اساطیر باستانی و آداب و عقاید زرتشتی و تأثیر آن در متون عرفانی منسوب به تشیع امامیه، به همراه تلاش روشن‌فکران ناسیونالیست ایرانی برای اعاده هویت ملی ایرانیان در مقابل شکست از اعراب مسلمان، از جمله مواردی است که برخی از شرق‌شناسان در دیدگاه‌های خود راجع به ظهور تشیع بر آن تأکید می‌ورزند. لوئی ماسینیون فرانسوی و هنری کربن با نگاهی صوفیانه به طرح اسلام ایرانی نظر دارند و انطباق آن را با اساطیر و عقاید زرتشتی گنوسی جای‌یافته در متون عامیانه امامیه بررسی می‌کنند. تأثیر امامت شیعی از فتوت زرتشتی در برخی از دیدگاه‌های آنها نمایان است.^۲ دکتر ر.ناث نیز با نگاه سیاسی به تشیع امامیه، امامت اسلام و کادر منصوص دوازده‌گانه آن را همان

۱. محمدکاظم خواجه‌ویان، تاریخ تشیع، ص ۱۴، مشهد، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۶.

۲. افتخارزاده، ص ۸۲.

امشاسپندان^۱ دوازده‌گانه زرتشتی و نظام اهورایی سلطنتی موروثی ایرانی می‌داند.^۲ وی حمایت ایرانیان از خاندان پیامبر را نتیجه ازدواج امام حسین با دختر یزدگرد دانسته و معتقد است روی همین مبنا عقیده به امام پیدا شد؛ بنابراین پیدایش امامت همانند پیدایش تشیع یک ویژگی منحصر به فرد ایرانی و برگرفته از همان اعتقاد باستانی ایرانیان در الهی بودن سلطنت است. امامت شیعی یک قیام موروثی متصف به عصمت به شمار می‌آید.^۳ بر اساس همین سوءبرداشت‌ها، دارمستتر شیعه را اقتباسی از اعتقاد ایرانیان به فره ایزدی می‌داند که با اسلام تطبیق یافته است.^۴

با توجه به این موارد، مشخص می‌گردد که مسئله داستان ازدواج امام حسین علیه السلام با دختر یزدگرد، زمینه بسیاری از این تحلیل‌های نابه‌جا گشته؛ زیرا مسئله امامت، فره ایزدی و انتقال وراثت سلطنت ساسانی به امامت شیعه و بسیاری از برداشت‌های دیگر در جریان این اصل موهوم مورد تحلیل‌های متفاوت قرار گرفته است.

تعارض در نگاه شرق‌شناسان در مورد این واقعه نیز تأمل برانگیز است. به نظر پطروشفسکی برخی از محققان قرن نوزده میلادی چون کارادو، دوزی و آه میولر، شیعه را بدعت ایرانیان به شمار آورده و آن را تعبیر گونه‌ای از اسلام در نظر ایرانیان و واکنش روح ایرانی در برابر عرب دانسته‌اند. خود وی در این زمینه اعتقاد دارد، این عقیده از اندیشه‌ای به ظاهر علمی ولی کاذب ناشی شده است.^۵ از دیدگاه کنت گوینو و ادوارد براون نیز مسئله ازدواج امام حسین علیه السلام با شهربانو، عامل سرایت بسیاری از عقاید و اندیشه‌های ایرانی در مذهب شیعه به

۱. در آیین زرتشت اهورا مزدا شش دستیار دارد که به منزله فرشتگان ادیان ابراهیمی هستند. آن دستیاران را امشاسپندان یعنی جاویدان مقدس می‌نامند؛ نک: حسین توفیقی، *آشنایی با ادیان بزرگ*، ص ۶۵، سمت، تهران، ۱۳۸۰.

۲. افتخارزاده، *اسلام در ایران*، ص ۸۳.

۳. همان، ص ۲۲-۲۷.

۴. همان، ص ۱۰۵.

۵. امی. پی. پطروشفسکی، *اسلام در ایران*، ترجمه کریم کشاورز، چ چهارم، ص ۵۰-۵۱، پیام، تهران، ۱۳۵۴.

شمار می‌رود و نگرش الهی بودن پادشاهان ساسانی به وجود امامان بر اساس چنین نگرشی منتقل گشته است.^۱

نیبرگ نیز به تأثیر عقاید ثنویت قدیم در برخی از فرق اسلامی اشاره دارد.^۲ از نظر دیوید مورگان برخی از محققان درباره تأثیر نهادهای مذهبی زرتشتی در اسلام صحبت کرده‌اند، مثلاً از نظر آنها نماز پنج‌گانه مسلمان مبتنی بر آیین زرتشتی بوده است.^۳ وی پس از این اذعان می‌کند که غالباً استدلال می‌شود در تشیع، عنصری مخصوصاً ایرانی وجود دارد تا روح سرکوب شده ایرانی در مقابل اعراب بدان وسیله التیام یابد. هم‌چنین مسئله جانشینی و مشروعیت امامت، سازگاری با موروثی بودن سلطنت ساسانی است. مورگان اگرچه اشاره می‌کند که این بحث‌ها مبنای علمی ندارد، در اشاره‌ای کوتاه، تمام نظریات غلط را در باب مذهب ایرانیان عنوان می‌کند.^۴ بر اساس همین سیاست، شرق‌شناسان، دیگر نیز به تأثیرپذیری سنت‌های ایرانی اشاره و آن را نقل نموده‌اند، اما در نقد بی‌اعتباری این روایت، دیگر بحثی نداشته‌اند. از نظر اشپولر، شیعیان به مادر امام چهارم خویش به جهت آن‌که شهبانویی ایرانی و دختر یزدگرد سوم است، ارزش زیادی قائل هستند.^۵ کریستین سن نیز در نقل این روایت گونه‌ای از تردید را به کار می‌برد. وی می‌نویسد:

بنابر روایت شیعیان که گویا قطعی نیست، شهربانو به عقد امام حسین درآمد. شیعیان به این ترتیب اولاد حسین را وارث خورنه یا فره ایزدی شاهنشاهان ایران باستان به حساب می‌آورند.^۶

۱. *خدمات متقابل اسلام و ایران*، ص ۱۰۰؛ هم‌چنین ادوارد براون، *تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر*، ص ۳۱، مروارید، تهران، ۱۳۶۹.
۲. هانری کوربن، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه اسدالله مبشری، ج ۱، ص ۱۴۰، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۴.
۳. دیوید مورگان، *ایران در قرون وسطا*، ترجمه عباس مخبر، ص ۱۵، طرح نو، تهران، ۱۳۷۳.
۴. همان، ص ۲۲.
۵. برتولد اشپولر، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، ص ۴۱۹، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴.
۶. آرتور کریستین سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، ص ۶۵۹، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۰.

ژان بوهو نیز به مسئله تشیع ایرانی با همان ویژگی‌ها اشاره دارد. وی معتقد است در نتیجه ازدواج امام حسین با دختر یزدگرد، میراث نبوی با میراث پادشاهی آمیخته گشت. وی رسمی شدن شیعه در عصر صفوی را همانند رسمی شدن دین زرتشت در عهد ساسانی می‌داند و در باب سوگواری عاشورا می‌گوید:

سابقاً نیز به یاد سرانجام غم‌انگیز سیاوش، قهرمان ایران به دست تورانیان، مراسمی با همین تشریفات در مواقع معینی برپا می‌گردید؛ خلاصه این تشریفات که اصل و مبدأ آن ایرانی است، در مذهب شیعه رسمیت یافت.^۱

مجموع نظریات برخی شرق‌شناسان در مورد تشیع ایرانی، نشان می‌دهد که با توجه به نوع مطالعات ایرانی و تأثیرپذیری آنان از عقاید زرتشتی و ارزش قائل شده به این مقولات توأم با شدت احساسات ناسیونالیستی، ره‌یافت دیگری را از آنان نمی‌توان انتظار داشت. سوءنیتی که آنها در تحلیل مطالب داشتند، انگیزه‌ای بود که از ضعیف‌ترین روایات برای اتهام بر شیعه بهره‌جویند. مسئله شیعه کاملاً ریشه‌دارتر از آن است که طرح آن به وسیله ایرانیان ریخته شود. چنان‌که پیش‌تر آمد، مسئله موهوم بودن اسارت دختر یزدگرد در مدینه، تمامی این دعاوی را زیر سؤال می‌برد. وراثت سلطنت برای انتقال فره ایزدی به خون امامان شیعه از منظر برخی شرق‌شناسان توجیه بی‌منطق دیگری است. اگر مسئله وراثت سلطنت در نزد ایرانیان مهم بود، چرا ایرانی‌ها به حکومت سلطنتی اموی و عباسی گرایش پیدا نکردند؟^۲ اساساً نظریه امامت شیعی که به صورت اعتقاد

۱. ژان بوهو، *ایران مسلمان از قرن اول تا قرن دهم هجری تمدن ایرانی*، ترجمه عیسی بهنام، ص ۱۵۰، بنگاه، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۶. برخلاف این نظر، محمود افتخارزاده در این مورد می‌نویسد: «در گستره کلامی عرفانی تاریخی تشیع، روح ایرانی همه نمونه‌های ازلی خویش را بازیافت و آرمان‌های اسطوره‌ای خود را در عینیت عقیدتی تاریخی تشیع جست. به جای اسطوره سوگ سیاوش، واقعیت تاریخی عاشورا را سوگوار شد و محتوای آن را موضوع روح سوگمند خویش هماهنگ نمود و از آن درس گرفت». *اسلام و ایران، مذهب و ملیت ایرانی*، رسالت، تهران، ص ۱۲۸، ۱۳۷۷.

۲. رسول جعفریان، *تاریخ تشیع در ایران*، ج ۱، ص ۱۰۶، قلم انصاریان.

به نص ولایت و مکمل و متمم نبوت است، هرگز نمی‌تواند با همانندی‌های برخی شرق‌شناسان پذیرفتنی باشد. هانری کرین که خود بر برخی قضاوت‌های نادرست و غرض‌ورزی هم‌کیشان خود در مورد شیعه معترف است، می‌نویسد:

برخلاف اعتقاد همه مستشرقین گذشته، اعتقاد من این است که مذهب تشیع یک مذهب حقیقی اصیل و پابرجاست و دارای مشخصات یک مذهب حقیقی بوده و غیر از آن مذهب بی‌پایه و بی‌فرهنگی است که مستشرقین گذشته به دنیای غرب معرفی کرده‌اند.^۱

وی در این سخن اذعان می‌کند که همکارانش پیش‌تر شیعه را مذهبی بی‌اساس جلوه می‌دادند و او خود در مباحثاتی که با علامه طباطبایی داشته، ظاهراً به این شناخت و حقیقت دست یافته است.^۲ به نظر وی تشیع از بنیاد و به معنای بر حق کلمه در حکم باطن و معنای درونی مذهب اسلام است. این باطن و معنای درونی همان تعالیمی محسوب می‌شود که از امامان به پیروانشان و از آنها به دیگران منتقل شده است.^۳

۱. محمدحسین طباطبائی، *ظهور شیعه*، ص ۶، فقیه، تهران، ۱۳۶۰.

۲. همان، ص ۴۸.

۳. هانری کرین، *داریوش شایگان، آفاق تذکر معنوی در اسلام ایرانی*، ترجمه باقر پرهام، ص ۱۳۵، آگاه، تهران، ۱۳۷۱.